اخبار

برگزاری نخستین دوره «همایش ملی استاد مشفق کاشانی»

نخستین دوره «همایش ملی استاد مشفق کاشانی» با حضور جمع کثیری از شاعران، اهالی ادبیات و مسؤولان فرهنگی کشور در حوزه هنری برگزار شد. سعید بیابانکی در این مراسم با بیان اینکه استاد مشفق، پدر مهربان شعر انقلاب و از هسته‌های اصلی شعر انقلاب بوده است، تاکید کرد: او چند نسل از شاعران را پرورش داد و تخلص «مشفق» کاملا زیبنده نام و زندگی و منش او بود. او طوری مهربان بود و شفقت در او موج می‌زد که بعید می‌دانم کسی از او رنجیده باشد و خاطره بدی از او در ذهن داشته باشد. علیرضا قزوه، مدیر مرکز آفرینش‌های حوزه هنری در این مراسم گفت: تلاش کردیم به واسطه نامه‌نگاری با شورای شهر کوچه محل سکونت استاد (بابک شرقی) به نام استاد مشفق کاشانی نامگذاری شود اما پس از پیگیری‌ها آقای مختاباد از اعضای شورا مطرح شد که در منطقه ۱۷ تهران میدانی به نام این شاعر نامگذاری شده و بزودی تندیس هم نصب خواهد شد. وی با اشاره به اینکه نام استاد مشفق در تاریخ ادبیات انقلاب خواهد ماند، افزود: استاد مشفق از همان بهمن ۱۳۵۷ برای بیشتر مناسبت‌های انقلابی و شخصیت‌ها و شهدای بزرگ و آرمان‌های انقلاب شعرهای ماندگار سرود و کسی نبود که خودش را از قافله مردم جدا کند.

■■■

آخرین وضعیت فرج‌الله سلحشور در بیمارستان

همسر فرج‌الله سلحشور با اشاره به آخرین وضعیت این هنرمند که در بیمارستان بستری است از مردم خواست برای سلامتی وی دعا کنند. به گزارش مهر، همسر فرج‌الله سلحشور درباره آخرین وضعیت سلامتی این هنرمند سینما و تلویزیون گفت: از پنجشنبه هفته گذشته ۲۵ دی‌ماه، فرج‌الله سلحشور در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان بقیة‌الله بستری شده است و پزشکان اعلام کرده‌اند وضعیت جسمانی وی هنوز مشخص نیست. وی ادامه داد: در حال حاضر فرج‌الله سلحشور هوشیار است و اطرافیان خود را کاملا می‌شناسد اما به دلیل مشکل تنفسی، به کمک دستگاه نفس می‌کشد.

■■■

اعلام داوران بخش مسابقه «تئاتر ایران» جشنواره تئاتر فجر

با دعوت سعید اسدی، دبیر جشنواره سی‌وچهارم تئاتر فجر، ۵ تن از هنرمندان عرصه تئاتر کشور عهده‌دار ارزیابی و داوری آثار بخش مسابقه «تئاتر ایران» سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر شدند. ناصر آقایی، محمدرضا خاکی، قطب‌الدین صادقی، گلاب آدینه و شهرام زرگر، ۳۴ اثر حاضر در بخش مسابقه تئاتر ایران سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را ارزیابی و داوری می‌کنند. بر همین اساس ۳۴ نمایش این بخش مورد ارزیابی و قضاوت گروه ۵ نفره داوران بخش مسابقه تئاتر ایران قرار می‌گیرد.

■■■

محمودعاطفی
رئیس کنگره شهدای فیلم و سینما:

برخی جیره‌خوار شبکه‌های ماهواره‌ای می‌شوند

در مراسم کنگره شهدای فیلم و سینما با عنوان جاودانه‌های نور و تصویر که شامگاه دوشنبه ۲۸ دی‌ماه در سالن کوثر صداوسیما برگزار شد از ابراهیم حاتمی‌کیا و فرج‌الله سلحشور که هرکدام به دلیلی در سالن حضور نداشتند تقدیر به عمل آمد. در ابتدای این مراسم محمود عاطفی، رئیس سازمان بسیج صداوسیما و رئیس کنگره شهدای فیلم و سینما با اشاره به کنگره ملی ۲ هزار شهید هنرمند گفت: این کنگره ملی بازنمایی از تلالو ستاره‌های همیشه درخشان است که هر جویای حقیقتی می‌تواند راه خود را با توجه به آن بیابد و این درست همان نیازی است که در فضای امروز جامعه بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. او در ادامه با اشاره به هنرمندانی که اخیرا در شبکه‌های ماهواره‌ای شروع به فعالیت کرده‌اند، خاطرنشان کرد: متاسفانه امروز برخی روشنفکران و هنرمندنمایان با دادن آدرس غلطی از آزادی، این مفهوم ارزشمند، چنان آن را تعریف می‌کنند که چیزی جز لاابالی‌گری از آن استنتاج نمی‌شود. عاطفی متذکر شد: بر کسی پوشیده نیست پولی که امروز در شبکه‌های معاند خرج می‌شود پول خون ملت‌های مسلمان زیر ظلم است و چگونه است که افرادی جیره‌خوار این شبکه‌ها می‌شوند و هنر خود را به قیمت مظلومیت ملت‌های مسلمان می‌فروشند. ابوترابی، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی از دیگر سخنرانان کنگره جاودانه‌های نور و تصویر بود که به بیان سخنانی درباره مقام شهادت و ارزش هنرمندان شهید پرداخت.

نگاهی به نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی‌خان فراهانی»

ردپایی از خون

نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی‌خان فراهانی» جدیدترین اثر دکتر علی رفیعی را باید مداقه این هنرمند در تاخیر دموکراسی در ایران دانست، تاخیری که با قتل امیرکبیر ۵۰ سال به تعویق افتاد. به گزارش تسنیم،«خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی‌خان فراهانی» نمایشی است با قدمت؛ قدمتی نزدیک به ۴۰ سال. روایتی است دگرگون از نقل قتل میرزا تقی‌خان فراهانی، مشهور به امیرکبیر، پسر آشپز قائم‌مقام فراهانی، از جلوس ناصرالدین‌شاه بر تخت سلطنت تا روز سیاه ترورش در حمام فین. این نمایش روایتی است به نقل از دکتر علی رفیعی از یک واقعه تاریخی معاصر، واقعه‌ای که رسیدن به مسیر دموکراسی در ایران را حداقل برای ۵ دهه به تاخیر انداخت. در اوایل اجرا، برخی رسانه‌ها نگاهی تند به اثر باز اجرا شده رفیعی داشتند و آن را توهینی نسبت به یک شخصیت تاریخی تلقی کرده بودند، ولی آنچه مسلم است آن دسته مخاطبان متوجه برخی جزئیات کار رفیعی نشده و تنها به کلیت اثر دقت کرده‌اند؛ اینکه «چه‌کسی امیر را کشت؟» سؤال علی رفیعی در مقام خالق اثر فوق همین است که امیرکبیر به دست چه کسی کشته شده است و برای رسیدن به این پاسخ به قوه خیال خود رجوع کرده است. علی رفیعی که از پیشگامان هنر نمایشی در ایران بوده و ذوق و سلیقه و حساسیت‌های خاصی برای به اجرا درآوردن نمایش‌ها یا ساخت آثار سینمایی دارد، در نمایشی که این شب‌ها در تالار وحدت اجرا می‌شود، زندگی امیر از زمان صدارت و درایت تا خزینه قتل و جنایت را در یک فضای خیالی به تصویر می‌کشد، در یک حمام. شاید اولین سؤال برای مخاطب آن باشد که چرا حمام؟ حمام، این سازه سفید نمناک، این مکان مرطوب که از امیر با درایت تا شازده‌های فاسد قجری در زلالی آبش پا می‌گذارند و همچنان غسال است. جواب این معما چیست که ۲ ساعت در برابر دیدگان مخاطب تلالو دارد، با آن همه سفیدی؟ در نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی‌خان فراهانی» با ۲ پرسش روبه‌روییم که جواب هر دو در یک چیز است. یک آنکه چه کسی به واقع امیرکبیر را کشت و دو اینکه چرا همه ماجرا در حمام رخ می‌دهد؟ این توهم بدان سبب است که مخاطب شاهد قتل امیر به دست جامه‌دار است و شاید کسی نپرسد چرا باید جامه‌دار دستش به خون امیر آغشته شود. برای یافتن این پرسش یک جواب سطحی وجود دارد؛ امیر خود خواهان آن بوده و نمی‌خواسته دست آن شاهزادگان قجری به خونش آلوده شود. این یک نگاه سطحی و گذراست، یک استنباط تنها به واسطه یک بخش از نمایش است و از آنجا که کلیت اثر به زعم نگارنده یافتن پاسخی است که «امیر را چه کسی کشت؟»، لزوم ۲ ساعت نمایش زیر سؤال می‌رود. این سؤال جذاب، پاسخ دیگری دارد. ولی پیش از پاسخ به این سؤال به حمام بازگردیم و ببینیم چرا تمام این نمایش در حمام می‌گذرد. جواب اولیه، روایت نمایش توسط جامه‌دار است که تمام عمرش را در حمام سلطنتی می‌گذراند. او برخلاف دیگر شخصیت‌ها یک ایستایی خاص در گریم و لباس دارد. او تغییر نمی‌کند. او همیشه جامه‌دار است. عزل و نصب نمی‌شود. اوج و فرود ندارد. او یک جامه‌دار است. گزنفون، فیلسوف یونان باستان در یک تعبیر مشهور می‌گوید: «حبشی‌ها خدایان خود را سیاهپوست با بینی پهن تصور می‌کنند، مردم تراکیا خدایان‌شان را چشم آبی و سرخ موی می‌دانند... اگر گاو، اسب و شیر دست می‌داشتند و می‌توانستند نقاشی کنند و مانند مردمان کار انجام دهند، اسب خدایانشان را شبیه به اسب و گاو شبیه گاو می‌کشیدند و پیکر آنان را همانند شکلی که خود دارند می‌ساختند.» ناصرالدین‌شاه با آن همه سوداگریش آدمی را به یاد کیکاووس و زیاده‌خواهیش می‌اندازد. او همان کسی است که برای زنان یک بار هفت خان رستم را پدید آورد، یک بار جنگ با شاه هاماوران و اسارت و در نهایت به دست جلاد تورانی سپردن پسر. در اینچنین فضایی جامه‌دار آیا تنها یک راوی است؟ به نظر چنین نیست و بر هم زننده این تصور برخی دیالوگ‌های ریزی است که در بطن نمایش گنجانده شده است. شاید در قاب تصویر این ناصرالدین‌شاه و مهدعلیا و امیرکبیر باشند که بیش از دیگران بر صحنه عرض اندام می‌کنند ولی کلید حل معما در دیالوگ‌هایی است که میان جامه‌دار و امیرکبیر رد و بدل می‌شود. امیرکبیر در برابر جامه‌دار که سخنانش را با جان و دل گوش می‌دهد از رابطه‌اش با مردم می‌گوید. از این نقل می‌کند که مردم حامی او هستند و تا مردم پشت او باشند، او را باکی نیست. اینکه امیری‌اش تنها برای کمک به خلق‌الله است و لاغیر. در همان زمان جامه‌دار از امیر می‌خواهد که نامش را بگوید و امیرکبیر گوش نمی‌دهد. جامه‌دار تا انتهای نمایش تنها شخصیت بی‌نام نمایش می‌ماند.

حال به سؤال نخست می‌رسیم؛ «چه‌کسی امیر را کشت؟» در تصویر این جامه‌دار است که خنجر بر رگ امیر می‌نوازد ولی چرا امیرکبیر او را انتخاب کرد؟ جواب بسیار روشن است. امیرکبیر پی به اشتباه خود برد. امیرکبیر در یک بازی تراژیک دریافت، اشتباه خود را درمی‌یابد. او می‌فهمد نگاهش نسبت به مردم اشتباه بوده و در حالی که مردم در مقتلش حضور دارند، کاری از دستشان برنمی‌آید. او می‌فهمد مردم‌سالاری ذهنیش خطا داشته، پس خنجر را به دست مردم یا بهتر است بگوییم تنها نماینده مردم می‌دهد. نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی‌خان فراهانی» یک تراژدی است که قهرمان اسطوره‌ای‌اش کسی جز میرزا تقی‌خان فراهانی نیست و این قهرمان باید یک هامارتیا داشته باشد و آن نادیده‌گیری کوچک به واقع هامارتیای امیر بود. این کابوس جامه‌دار است. او خود می‌فهمد که قاتل حقیقی میرزا تقی‌خان فراهانی مشهور به امیرکبیر خود اوست. چرا که او و دیگر مردم حقیقت اندیشه و فهم امیرکبیر را درک نکردند. اگر در ظاهر امیرکبیر با خنجر سیاه‌پوشان به قتل رسیده اما این خنجر به سبب عدم حضور مردم و سکوت آنان جرأت بیرون آمدن پیدا کرده است. به تعبیری این خنجر به سبب جواز و سکوت مردم بر پشت امیرکبیر نشسته است و این شیوه کشته شدن به دست سیاه‌جامه‌گان هیچ فرقی ندارد با اینکه خود مردم خنجر بر پشت او بزنند. با تمام این تفاسیر و جذابیت‌های نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی‌خان فراهانی» یک نکته منفی در نمایش موج می‌زند و آن هم حضور شخصیت‌هایی است که هیچ کارکردی در نمایش ندارند، همانند همسر امیر که جز حرف زدن کاری نمی‌کند. در مقابل شخصیتی چون مهدعلیا بشدت بارز و برجسته است. نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی‌خان فراهانی» دکتر علی رفیعی اثری است عظیم و کلاسیک که می‌توان دریافت زیباشناسی یک هنرمند نسبت به یک واقعه، یک رویداد و یک شخصیت را از دریچه دید او دریافت.

مروری بر خاطرات و اشعار حمید سبزواری در کتاب «حال اهل درد»

قلب تپنده اشعار انقلابی

حمید سبزواری، زبان غم‌ها و شادی‌های یک ملت در قاب ادبیات و شاعرانگی است و همچنان نامش با طنین انقلاب اسلامی در دل‌ها و جان‌ها زنده و جاوید مانده است. نگاه ارادتمندان استاد در روزهایی که همنشین درد در تخت بیمارستان بود نشان از قلب تپنده اشعار و نگاه مردی دارد که جاودانه‌های پیروزی از کلامش پیچش یافت و از «سرود سپیده» تا «یاد یاران» را با دل‌انگیزترین قلم به جریان می‌انداخت. محسن ممتحنی پسر حمید سبزواری، آخرین خبر از احوال ایشان را قرین با سلامتی دانست و خاطرنشان کرد: «خدا را شکر پدرم حالش خوب است و امیدواریم بهتر از این شود به لطف خداوند.» اما رجوع به سابقه شاعرانگی و مجاهدت‌های حمید سبزواری برای نسل جوان عرصه ادب و هنر می‌تواند پشتوانه‌ای مطمئن در مسیر پیش‌رو باشد و برای نگاهی عمیق‌تر به نگاه دامنه‌دار حمید سبزواری باید به بیش از نیم قرن پیش سفر کرد؛ وقتی از درد ملتی در دل خفقان جاری در عصر پهلوی نوشت. در این راستا کتاب «حال اهل درد» مروری بر خاطرات و اشعار حمید سبزواری شاعر انقلابی کشورمان منبع ارزشمندی است که در مقدمه آن آمده است: «تاریخ ادبیات شیعه، سرشار است از نوآوران و آفرینش‌گرانی جان بر کف و بار بر دوش که هر یک به سهم خود همچون بهاری زایشگر، فصلی درخشان و سبز از شعر و شعار و شعور انقلابی را جان بخشیده‌اند و بر درخت کهنسال شعر فارسی، شکوفه‌های تازه‌ای رویانده‌اند. از ابتدای شروع مبارزات حضرت امام خمینی(ره) و از همان آغازین روزهای نهضت، کم نبوده‌اند شعرایی که به تعهد خویش عمل کردند و اندیشه و پیام امام خمینی(ره) و انقلاب را بر بال تیز پرواز مرغ شعر و سخن بسته و آن را به دوردست‌ها پرواز دادند. در اهمیت شعر دوران انقلاب، استناد به گفتار رهبر معظم انقلاب، استدلالی قوی و کافی است که فرموده‌اند: «شعر دوران انقلاب باید بخش برجسته‌ای از اصیل‌ترین و صادقانه‌ترین شعر همه دوران تاریخ ایران به شمار آید. شعر فارسی هر چند در عمر ۱۲۰۰ ساله خود در مقاطع گوناگون به والایی و تعالی شایسته‌ای نائل شده و نقطه‌های درخشانی - که در ادبیات جهان می‌درخشند - پدید آورده، لیکن هرگز به طور کامل از آمیختگی به انگیزه‌های غیرصمیمی و پیرایه‌های ناشایسته برای شعر و هنر، کاملاً مبرا نبوده است و همین است که شعر فارسی را با وجود شاعران و شعرهایی که جز به صفا و حقیقت ناظر نبوده‌اند - و البته تعداد چنین شاعران و شعرهایی نسبت به حجم شعر فارسی چندان زیاد نیست - از صورت مجموعه‌ای پاکیزه و بی‌غل و غش خارج کرده و در آن، فصول ناخوشایند و حتی تأسف‌انگیزی پدید آورده است. شعر دوران انقلاب در میان همه مقاطع تاریخ طولانی، این ویژگی را دارد که تقریباً یکدست و کامل در جهت آرمان‌ها و هدف‌های والا و سخنگوی احساسات و افکار و جهت‌گیری‌های ملتی است که شاعر از دل آن برخاسته و بدان وابسته است. شعر دوران انقلاب، شعر زر و زور نیست. شعر احساسات سطحی و فردی و متوجه به آرزوها و امیال حقیر بشری نیست؛ زبان یک ملت و شرح حال یک امت است. انعکاسی از روح بزرگ جامعه‌ای است که یکپارچه در جهت هدف‌ها و آرمان‌های الهی و انسانی گام برداشته و فداکاری کرده است. شعر هدفدار و سازنده مردمی است. شعر دربارها و میخانه‌ها و عشرتکده‌ها نیست. شعر صحنه عظیم جهاد و سیاست و انقلاب و جهان‌نگری است، شعر خدایی است». «حال اهل درد» زندگینامه و خاطرات حمید سبزواری، یکی از چهره‌های برجسته فرهنگی و چهره ماندگار عرصه ادبیات این مرز و بوم است؛ یادگار عمر شاعری است اهل درد که متاع جان خویش را به لفظ اندک و معنی بسیار در قالب الفاظی جاندار می‌ریخته و همپای ملت خویش با گام‌های استوار شعر، راه می‌پیموده است. این کتاب در ۴ فصل «خانواده و محیط اجتماعی»، «نخستین تکاپوها و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی»، «آشنایی با نهضت حضرت امام و فعالیت در تهران»، و «فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی» گردآوری شده است. در فصل اول این کتاب به فراماسونرها در سبزوار، بهائیت در سبزوار، ماجرای کشف حجاب و شیخ بهلول پرداخته شده است. در فصل دوم کتاب، حمید سبزواری به ورود متفقین، ملی شدن صنعت نفت، آشنایی با علی شریعتی و در سوگ شریعتی پرداخته است. جریان کشف مجسمه شاپور، پیش زمینه آشنایی با امام خمینی(ره)، پیش‌بینی انقلاب اسلامی، خفقان رژیم و شعر در فراق امام(ره)، پیمان‌شکنی دوستان و از بین رفتن آثار و خاطره‌ای از آشنایی با آیت‌الله طالقانی مطالب سومین فصل این کتاب را شامل می‌شود. فصل آخر این کتاب به فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سرود «خمینی ای امام»، آشنایی با شهید مطهری و آشنایی و ارتباط با مقام معظم رهبری پرداخته است. کتاب «حال اهل درد» که توسط انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است، تلاشی است برای رسیدن به نگاه مردی که از صلابت ملت و ارتش و سپاه گفت و جاودانه شدن پگاهی که در سرزمین ایران رخ داد.

تئاتر

یادداشتی بر نمایش «اعوجاج»

شهامت در فرم اجرا

نمایش «اعوجاج»، تئاتر زنده و بی‌واسطه‌ای است با تکیه بر تئاتر فیزیکال، تئاتری جسم‌مند که تن و تخیل و احساسات و صدا را در هم می‌آمیزد. علی ژکان، نویسنده و کارگردان قدیمی سینمای ایران درباره این نمایش که تا ۳۰ دی‌ماه در مجموعه تالار مولوی روی صحنه خواهد رفت، یادداشتی نوشته است که به نقل از تسنیم می‌آید. علی ژکان در این یادداشت آورده است: «بهزاد غلامی با تئاتر فیزیکال خود تحت عنوان «اعوجاج» شهامتی نشان می‌دهد که از مرز احتیاط این روزهای عرصه نمایش عبور می‌کند. طبعاً بروز روحیه‌ای اینچنین، هزینه‌های زیادی برای او به بار می‌آورد؛ خواه در عدم جلب حمایت‌های رایج دولتی و خواه در عدم استقبال قابل‌توجه از سوی مخاطبان و تماشاگران، دلیلش هم آشنازدایی نمایشی است که او بر صحنه برده است، تئاتری که برای برخی تماشاگران کاملاً بیگانه است، آن هم در شرایطی که بیشتر دست‌اندرکاران نمایش از تمهیدات دستمالی شده برای به سالن کشاندن تماشاگران استفاده می‌کنند؛ چه در بعد انتخاب موضوع و محتوا و چه در شکل اجرا. نمایش «اعوجاج» نه‌تنها از فرم‌های آشنا و رایج سود نمی‌برد و آسان‌پسندی را به کار نمی‌گیرد بلکه جهان نمایش خود را بر ایجاد نشانه و ابهام و ایهام بنا می‌سازد تا با فعال کردن فکر و اندیشه تماشاگر بتواند با او ارتباط برقرار کند. حذف گفت‌وگو از نمایش که از اساسی‌ترین ارکان تئاتر است و عدم به‌کارگیری دکور و پردازش صحنه که جغرافیای داستانی و فضای واقعی برای تماشاگر می‌سازد، موجب می‌شود اعوجاج را در فضایی برهنه و اصطلاحاً تئاتر بی‌چیز به تماشا بنشینیم، به‌واقع کار دشواری است که غلامی اقدام به آن می‌کند. در تعریف تئاتر فیزیکال آمده است که تئاتری است متکی بر جسم و با فعال کردن و درگیری تخیل به دست می‌آید و بدین ترتیب تماشاگر نیز باید با قدرت اندیشه و فکر با چنین تئاتری ارتباط بگیرد. از طرفی این شیوه تئاتری عکس‌العملی به تأکید زیاد بر متن به‌عنوان اصلی‌ترین منشأ خلق تئاتر است. به‌طور کلی با نگاهی گذرا به تاریخچه تئاتر فیزیکال متوجه می‌شویم از همان روزگار میرهولد در دهه ۲۰ قرن گذشته و همین طور تلاش میخائیل چخوف در سروسامان دادن به آن، تماشاگر با نمایشی روبه‌رو است که بر ابهام و ایهام بنا می‌شود و زبان گفتاری به زبان حرکتی و جسمانی انتقال می‌یابد. این چنین است که از همان ابتدا با نمایشی سروکار داریم که از اندازه‌های رایج قابل فهم برای همگان عبور می‌کند و حتی مکتب بزرگی چون شیوه استانیسلاوسکی را به چالش می‌گیرد. چنین موقعیتی از نمایش برای کشوری چون ایران که سنت‌های نمایشی آن از نقالی گرفته تا تعزیه و روحوضی و... تماماً بر کلام و نثرهای زبانی استوار است، وضعیت دشواری برای هنرمندانی چون بهزاد غلامی فراهم می‌سازد و ناگزیر باید هزینه‌های آن از جیب مبارک هنرمند پرداخت شود. به هر حال بهزاد غلامی با تکیه بر مکتب تئاتر فیزیکال زحمت زیادی کشیده و با بازیگرانی علاقه‌مند و با حداکثر تلاش می‌کوشد تا انتظارات ما را از دیدن تئاتر برآورده کند. این هنر انتزاعی، موسیقایی و جسمانی به یمن ماه‌ها تلاش و از خودگذشتگی بهزاد غلامی به ما نشان داده شد بی‌آنکه تبلیغاتی وجود داشته باشد».

رویدادها

استقبال پرشور از اکران فیلم «محمدرسول‌الله (ص)» در بغداد

«محمدرسول‌الله(ص)» آخرین اثر سینمایی مجید مجیدی به مدت ۲ شب در سالن تئاتر ملی مرکز بغداد، پایتخت عراق به نمایش درآمد. اکران این نمایش در سالن تئاتر ملی مرکز بغداد با همت اداره سینما و تئاتر عراق و با همکاری اداره ارتباطات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ عراق فراهم شد. اگرچه سالن تئاتر ملی در مرکز بغداد، به عنوان پاتوق هنرمندان شناخته می‌شود اما در زمان نمایش فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» در این سالن، همه اقشار مردم عراق حضور یافتند، مسؤولان و مقامات بلندپایه، هنرمندان، روزنامه‌نگاران، عالمان دین و روحانیون از شیعیان و اهل سنت، زنان چادرپوش، محجبه و غیرمحجبه حتی مسیحیان در لابه‌لای جمعیت بودند و آن لحظه‌ای که «حلیمه سعدیه»، محمد(ص) شیرخواره را به آغوش کشید تا شیر دهد، از هر گوشه سالن، صدای هق‌هق و گریه تماشاگران به گوش می‌رسید.

■■■

پیام مدیرکل هنرهای نمایشی به مناسبت سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

تئاتر، اقلیم آرمان‌هاست

مهدی شفیعی، مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در آستانه آغاز سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر پیامی را به این شرح منتشر کرد:

«به نام خدا

تئاتر اقلیم آرمان‌هاست. آرمان‌های نامیرایی که تجلی اصالت و رستگاری انسان بوده‌اند. این بنای کهن، میراث رویینه‌تنی است که از بستر باورها و فطرت جامعه برخاسته است و در هر روزگاری به تعالی فکر و ذکر مخاطب اندیشیده است. آفرینش دوباره آرمان‌هایی که در صحنه روزگار «خواستن و توانستن» را به نمایش می‌گذارند. سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با تأکید بر ترویج دانش تئاتر و تئاتراندیشی، مجمع فاخری از حضور ۴ نسل از کارگردانان تئاتر امروز است که مؤمنانه در تعالی این هنر کوشیده‌اند. اعتقاد و اصرار بر تحقق حداکثری فراخوان این دوره از جشنواره علاوه بر تثبیت آرمان اولویت‌بخشی به گروه‌های نمایش و توجه به اجراهای عمومی، استقبال چشمگیر گروه‌های نمایشی برای ورود به بخش مرور تئاتر ایران را در پی داشت که بی‌شک نشان از پذیرش ضرورت فرهنگ اجرای عمومی تئاتر به عنوان مهم‌ترین گزینه اثربخش از سوی هنرمندان دارد. اندیشه پرهیز از تجمیع جشنواره در پایتخت با برگزاری فجر استانی در استان‌های دور و نزدیک اسباب بهره‌مندی علمی و عملی هنرمندان استان‌ها را ایجاد نمود که به غنیمت این فرصت مقصد کاروان تئاتر نه پایتخت، که گوشه گوشه این سرزمین ارجمند قرار گرفت. خرسندم که در این دوره شاهد حضور نویدآفرین جوانان و مشارکت چشمگیر بانوان هنرمندی هستیم که در کارنامه این دوره از جشنواره فجر سهم بسزایی دارند. امیدوارم تئاتر امروز با زمان‌آگاهی و ضرورت‌اندیشی جامعه معاصر خویش کیمیای دردها و درمان زخم‌های مخاطب دانای خویش باشد. به گرمی و با مهر قدردان اصحاب صدیق این دوره از جشنواره هستم و خداوند هنر را در اعتلای پرچم هنر ایران زمین به نیایش می‌نشینم».

■■■

«پیرمردی با دستکش» به جشنواره تئاتر فجر می‌آید

زهره بهروزی‌نیا، نویسنده و کارگردان آثار تئاتر عروسکی، نمایش «پیرمردی با دستکش» را برای جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر آماده می‌کند. او درباره این اثر نمایشی گفت: نمایش «پیرمردی با دستکش» نمایشی است که براساس رمان تنهایی پرهیاهو نوشته هرابال نوشته‌ام و دراماتورژی آن را صادق ملکی برعهده دارد. فضا و شخصیت اصلی نمایش عینا براساس شخصیت و فضاسازی رمان تنهایی پرهیاهو نوشته شده است. در این نمایش تمام شخصیت‌ها تبدیل به یک نفر شده و نمایش براساس تک‌گویی درونی پیش می‌رود.

■■■

اعلام جزئیات برنامه‌های کاخ مردمی جشنواره فیلم فجر

به گزارش ارتباطات و اطلاع‌رسانی سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر، برنامه نمایش فیلم‌ها در پردیس سینمایی ملت اعلام شد. مراسم رونمایی از آثار بخش نگاه نو در کاخ مردمی هر روز ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰ برگزار می‌شود همچنین نمایش فیلم‌های حاضر در این بخش از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۳۰ خواهد بود. مراسم رونمایی از آثار بخش سودای سیمرغ (۱) هر روز ساعت ۱۹ تا ۲۰ برگزار می‌شود همچنین نمایش فیلم‌های حاضر در این بخش از ساعت ۲۰ تا ۲۲ خواهد بود. مراسم رونمایی از آثار بخش سودای سیمرغ (۲) هر روز ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰ برگزار می‌شود و نمایش فیلم‌های حاضر در این بخش از ساعت ۲۲:۳۰ تا ۲۴ خواهد بود.